



روزنامه جوان | شماره ۵۸۱۳

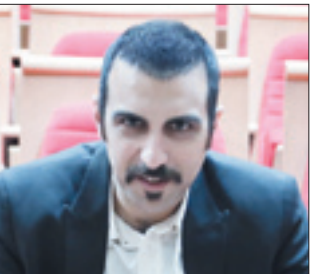
## فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۶۶

گفت‌وگوی «جوان» با پولاد کیمیایی کارگردان فیلم در حال اکران «معکوس»

# سینمای ایران لخت، کم حوصله و تنبل است

نیت من احیای ژانرهاست چون ما در حال حاضر سینمای وحشت یا ژانر پلیسی و جنایی نداریم



## نتیجه بهتری می‌گرفتید؟

اتفاقاً سختی فیلم معکوس اول از همه در فیلمنامه‌اش بود. قرار نبود فیلم معکوس یک فیلم صرفاً اکشن با یک قصه خیلی ضعیف باشد. به جهت اینکه تمام فیلم‌هایی که در ژانر اکشن ساخته می‌شوند، اغلب طیف دراماتیک خیلی ساده‌ای دارند و از ۱۰ دقیقه ابتدای فیلم مخاطب انتظار

هیاهوی تصویری و داستانی دارد. مخاطب به دنبال این است که یک چیزی منفجر یا خراب شود یا یک اتفاق هیجان‌انگیز برایش بیفتد. ما می‌خواستیم در «معکوس» قصه‌ای داشته باشیم که اول از همه یک درام اجتماعی باشد. قصد نداشتیم فیلمی سریع و خشن بسازیم. متأسفانه خیلی از آدم‌ها به محض اینکه چیزی می‌بینند متلا، وقتی می‌بینند در فیلم اتومبیلرانی وجود دارد انتظار فیلم سریع و خشن را دارند.

من می‌خواستم در فیلم نشان دهم که جابه‌جایی طبقات در اجتماع ما زیاد است. سالار از طبقه متوسط است یا سیاوش را می‌بینیم که کارگر است و میل به پیشرفت و ترقی دارد. او در کنج اتوبوس خودش جایی را درست کرده و لوستر گذاشته، کت و شلوار می‌پوشد و برای خودش می‌گردند.

یک بچه‌ای خیلی سخت و بد بزرگ شده است. پدرش در کودکی او را رها کرده و مادرش از زوی خودخواهی به خاطر پر کردن تنهایی خودش او را به دنیا آورده و یک مرد دیگری که دوست پدرش است او را بزرگ کرده است و در واقع هیچ گونه خوشبوآوندی به آن شکل ندارد. عصبانی است و این عصبانیت باعث می‌شود که تصمیمی بگیرد که نسل بعدی ما تحت‌الشعاع قرار دهد. تصادفی که اول طرف بدیم و از طرف دیگر، رزش می‌میرد، باعث می‌شود که بچه‌اش را از او بگیرند و پرود زلفان یعنی تاریخ تکرار می‌شود. پدر سالار باید بیاید و بچه و نجات بدهد که آخر فیلم این اتفاق می‌افتد. فیلم مسیری را طی می‌کند تا پدر را وادار کند سر سفره خانوادهاش برگردد. اینها میباحثی است که در فیلمنامه به آن توجه شده است. سختی کار در این بود که این دو فیلم را در هم تندیند. یعنی فیلمی است که قصه یکسری از آدم‌ها را که گذشته و روابط پیچیده‌ای دارند روایت می‌کند. نیت من این بود که دو جزیره را تجربه کنیم. از یک طرف آدم‌ها، روابط و قصه‌هایشان را شکل بدیم و از طرف دیگر، اکشن قصه و حرکت داستان به گونه‌ای باشد که چشم‌نواز و تأثیرگذار باشد.

**پس شما «معکوس» را اداری فیلمنامه‌ای قوی می‌دانید؟**

من فیلمنامه را فیلمنامه خوبی می‌دانم.

**این احساس و ضایعت شما از فیلمنامه عجیب است، ولی به نظر می‌رسد «معکوس» قصه‌ای سرگردان دارد و شخصیت‌ها طوری هستند که مخاطب با آنها درگیر نمی‌شود و آنها را نمی‌فهمد.**

وقتی ۲۰-۲۵ دقیقه فیلم را هرزینه‌اش کنیم اشک کنی، قطعاً زمان کمتری برای گفتن قصه به وجود می‌آید. فیلمنامه باید به اندازه‌ای جلو برود که نیاز دارد. اگر قرار باشد یکسری شخصیت‌ها را بیخودی نگه دارد و دائم در مورد آن صحبت کنید، این دلیل بر خوب بودن فیلمنامه نیست.

اینکه می‌گویید در خلق شخصیت‌ها بیشتر کار می‌کردید، شما ببینید مثلاً «رضا درشتی» کسی است که قبلاً در کارخانه‌ای کار می‌کرده که این کارخانه سال‌ها پیش بسته شده است و تنها چیزی که از این کارخانه بر جای مانده، گازآب کوچکی است که رضا کارهای تعمیراتی و مکانیکی ماشین‌های قدیمی را در آن انجام می‌دهد. این فرد، در واقع دوست صمیمی پدر سالار بوده و پدر سالار از بچگی آنها را رها کرده است. اما سالار را بزرگ کرده و به او آموزش داده که چگونه کار کند. در قصه ما سالار یک مسئله‌ای با رضا دارد. از او خوشش نمی‌آید. اینگونه در ذهن سالار ایجاد شده که دوست صمیمی پدرش با مادرش رابطه داشته و پدر مجبور شده آنها را رها کند. این دلگیری را از رضا دارد و دائم رضا در دشتی تلاش می‌کند آن را حل کند و بگوید من رابطه‌ای نداشتم و مادر تو عاشق پدرت بود و تنها کاری که من کردم این بود زمانی که پدرت

رفت به من پول می‌داد که به مادرت برسانم. حالا پیشنهادش این است که این گذشته را کنار بگذار و بیامن پول جور می‌کنم که تو بتوانی بسرت را به دست بیاوری. این کلیت رضا درشتی است. حالا ما بخواهیم بابت این زمان بیشتری صرف کنیم، چیزی را به دست نمی‌آوریم، چون مبنای فیلم ما این است که قرار است پولی داده شود که بچه این آدم که نسل آینده می‌شود از ایران خارج نشود و در ایران بماند و به پدرش برسد و مشکلات مالی و خشودگی که به خود پدر گذشته، صرف پسرش در ایران می‌ماند. ما در حال حاضر سینمای وحشت و ترس نداریم. ژانر فیلم‌های پلیسی، ژانر جنایی نداریم.

ما باید برای مخاطب مانند یک رستوران فرهنگی، فیلم‌های متفاوتی داشته باشیم که مخاطب بر مبنای حاشش فیلم‌ها را تجربه کند. ما باید ژانر‌ها را زنده کنیم. باید قصه جذاب و مفید برای مردم بسازیم که چشم و گوش بیننده از دیدنش لذت

برده. در واقع قصه‌ای باشد که به بیننده هیجان دهد. در حال حاضر سینما ابزاری برای ارزیابی فرهنگی شده است. اما بخشی از سینما متکی به این است که مخاطب عام را به سمتی سوق دهد که ذائقه‌اش را پایین بیاورد.

به نظر من باید ژانر اکشن را زنده کنیم. ژانر اکشن و حادثه‌های یاد حرف اول را بزند. سینمای امریکا سالیان سال است از طریق همین قهرمان‌های مارول و ژانر اکشن زنده مانده است و میلیاردها دلار از این ژانر به دست می‌آورد. وقتی قهرمان

نسازیم تأثیرگذار هم نیستیم. در فیلم معکوس ما ۴۰ دقیقه مسابقه اتومبیلرانی داریم. من یاد ندارم که فیلمی در تاریخ سینمای ایران ۴۰ دقیقه اتومبیلرانی داشته باشد. از این بابت به نظر فیلمی تکنیکی است.

**در آن جلوه‌های ویژه میدانی مطرح است، کار سختی است. فکر می‌کنید باز هم به سمت این جنس از سینما بروید، واقعا هزینه‌های تولید این آثار بالا به نظر می‌رسد؟**

من به عنوان یک کارگردان خیلی لذت می‌برم که در واقع میدانی کار کنم، چون زندگی در فضای

میدانی است و همه لذت می‌برند و کار میدانی حال همه ما را خوب می‌کند. اما من در کارگردانی این فیلم برایم تجربه شد و دیگر قرار نیست این نوع فیلم در کارنامه من تکرار شود و فیلم بعدی‌ام را در زمینه، مسابقه‌ای بسازم.

**فیلم بعدی تان در چه ژانری خواهد بود؟**
فیلم بعدی که خواهم ساخت، قطعاً یک فیلم تکنیکال دیگر است که ساختارش بسیار با این فیلم فرق می‌کند. بیشتر یک فیلم روانشناختی در ژانر ترس است یا نام «لکت». این فیلم شاید پرهزینه نباشد، اما فیلم سختی خواهد بود. دوست من احیای ژانر هاست. ما در حال حاضر سینمای وحشت و ترس نداریم. ژانر فیلم‌های پلیسی، ژانر جنایی نداریم.

**ما باید برای مخاطب مانند یک رستوران فرهنگی، فیلم‌های متفاوتی داشته باشیم که مخاطب بر مبنای حاشش فیلم‌ها را تجربه کند. ما باید ژانر‌ها را زنده کنیم.**

**ادامه بدهید یا اینکه قصد اصلی تان برای ادامه کار در سینما، کارگردانی است؟**
من از کودکی بازیگری را شروع کردم. از سن خیلی پایین و تا امروز جزو بازیکن بودم. بازیگری بخش بزرگی از وجود من است. تمام کارگردانی‌های من از آنجایی است که دوست دارم از این زمینه تجربه کسب کنم. از همان دوران کودکی در خانواده فکر می‌کردند قرار است که من کارگردان فیلم بپریم آمدن بازیگری در تقدیر من افتاد و برعکس خیلی‌ها که دوست دارند بازیگر شوند، من از ابتدا کارگردانی را بیشتر دوست داشتم، چون پدرم کارگردان بود

و کارگردان بزرگی هم بودم. آنچه یاد گرفتم گر امر سینما و ریشه‌های سینما بود. اینکه چه چیزی در سینما مطرح است و همین طور آرام آرام در فیلم‌های ایشان کار کردم و بعد از چپان سینمای ایشان بیرون آمدم و وارد سینمای کلی شدم و بازیگری برایم رشد کرد و بزرگ‌تر شد.

ذات من همیشه یک بازیگر است، یعنی در کارگردانی فیلم‌هایم هم وقتی سا بازیگرهایم وارد سینمای کلی شدم و بازیگری برایم رشد کرد و بزرگ‌تر شد.

**می‌کنند مورد توجه قرار می‌گیرد**

که می‌خواهد بچهاش در این شرایط بزرگ کند حال همه ما را خوب می‌کند. اما من در کارگردانی این فیلم برایم تجربه شد و دیگر قرار نیست این نوع فیلم در کارنامه من تکرار شود و فیلم بعدی‌ام را در زمینه، مسابقه‌ای بسازم.

**فیلم بعدی تان در چه ژانری خواهد بود؟**
فیلم بعدی که خواهم ساخت، قطعاً یک فیلم تکنیکال دیگر است که ساختارش بسیار با این فیلم فرق می‌کند. بیشتر یک فیلم روانشناختی در ژانر ترس است یا نام «لکت». این فیلم شاید پرهزینه نباشد، اما فیلم سختی خواهد بود. دوست من احیای ژانر هاست. ما در حال حاضر سینمای وحشت و ترس نداریم. ژانر فیلم‌های پلیسی، ژانر جنایی می‌شوم. اگر از افراد اصلی نباشیم و فیلم را ندیم، دچار مشکلاتی می‌شویم، اگر فیلم‌را بدهیم دچار مشکلات دیگر خواهیم شد.

**فیلمتان در جشنواره فجر حضور داشت. در این باره چه تجربه‌ای از سر گذراندید؟**

فیلم من در جشنواره نبود. شد. یک فیلم دیگری که آماده نبود، در آخرین لحظه به جشنواره رسید و فیلم من را بدون اینکه به من بگویند، اکران کردند. تمام ساختار من را به هم ریختند. اینها این کار را با من کردند. حس عجیبی داشتم، شما از یک طرف تمام مشکلات و میباحث و سختی‌ها



**دیگر نیاییم در رسانه‌ها و رادیو و تلویزیون بگوییم چرا این سینمای ما به این سمت رفته است؟ این سبب رفته است؟ این اتفاق یک اتفاق تلخ است. من مدام می‌شنوم که چرا سینمای ما اینطور شده است؟ خودشان دارند فیلم‌های اجتماعی و هر فیلمی را که شریف است، کنار می‌گذارند. از آن طرف فیلم‌هایی که در سینما آمد در آن شکل درمی‌آوردند و گریم متفاوت می‌کنند مورد توجه قرار می‌گیرد. تا توجه به شرایط سخت جامعه، مردم وقتی می‌خواهند هزینه سینما بدهند می‌روند، فیلم کم‌دی می‌بینند که دلشان شاد شود. البته کم‌دی که تعریف خاص خودش را دارد. کم‌دی باید دارای ارزش باشد، اینکه در فیلم یکی به یکی پس گردنی بزند نمی‌شود کم‌دی، ما از این دست کم‌دی‌ها زیاد داریم. در پایان باید بگوییم، طبق معمول عدالت در اکران فیلم معکوس شکل نگرفت و فیلم در ۳۳ سینما در کل کشور اکران شد بدون هیچ تبلیغات شهری و تبلیوری. متأسفانه فیلمان در بدترین زمان ممکن و در بدترین شرایط اکران شد. در شرایط بحث ناآرامی‌های تهران، بحث بنزین، بحث اودیگی هوا و بحث انفولواژی که همه جا را گرفته است. حتی همین فصلی که در آن هستیم فصل سخت و راکدی برای کار ماست. با این شرایط که پیش می‌رود «معکوس» فیلمی خواهد شد که قربانی تاریخ سینما می‌شود و کاری هم نمی‌شود کرد.**

را تحمل می‌کنید اما یک جایی دیگر خسته می‌شوید. مگر چقدر ارزش دارد. مگر من به عنوان کارگردان چقدر پول می‌گیرم. آن مبلغی که می‌گیریم باید هزینه تهیه فیلم کنیم و بعد ببریم جشنواره و از آن دفاع کنیم. همه اینها را که انجام دادیم بعد باید بقیتم در دام پخش. فیلم من در ماجرابی رفت که دوست نداشتتم و واقعا فکر نمی‌کردم اینطور بشود. حس پدری را دارم که دوست دارد فرزندش را به جایی برساند، اما شرایط مهیانبست.

**چقدر در فیلمسازی تحت تأثیر پدر تان هستید و چقدر از ایشان متأثرید؟ در مقابل چه اندازه فکر می‌کنید مستقل از نگاه فیلمسازی ایشان حرکت می‌کنید؟**

من دوست داشتم در فیلم اول به سینما ادای دین کنم. هم به عنوان فرزند کیمیایی و هم به عنوان کسی که از درون سینمای کیمیایی شناخته شده و بیرون آمده است. نمی‌خواستم سینما را نادیده بگیرم اما در عین حال می‌خواستم لحن و نتیجه‌گیری خود را داشته باشم و خودم آنطور که دوست دارم به این نکته نگاه کنم. بسیاری می‌گویند این فیلم بسیار به سینمای کیمیایی شباهت دارد و یک کپی از سینمای کیمیایی است. به نظر من اینها افراد بی‌سوادی هستند، چون اصلاً ندیده و متوجه شده‌اند که در فیلم چه اتفاقی افتاده است. فقط صرفاً یک رضا در دشتی را دیده‌اند که کلاه‌شود دارد و دیالوگ‌هایی که نظم خاصی در نوشته شدن دارند، بیان می‌کند. برای همین می‌گویند این کار کپی است. اما واقعیت این نیست، آلمان‌های سینمای کیمیایی برای من یک درس است. مثلاً در دیالوگ‌نویسی شما به ریتم و آهنگ یک دیالوگ فکر می‌کنید. اینکه صرفاً هر چه را که به نظر می‌آید بنویسید، دیالوگ نمی‌شود. دیالوگ‌نویسی ساختاری دارد که من آن را رعایت کردم. دیالوگ من هیچ ارتباطی به سینمای کیمیایی ندارد؛ دیالوگ‌های من خیلی ساده، روزمره، محاوره‌ای و عادی است.

یا مورد دیگر اینکه شخصیت فیلم من قهرمانی که همیشه در سینمای کیمیایی آدم خوبی است، نیست. خیلی‌ها لایه اول و رویی را می‌بینند. به بطنش فکر نمی‌کنند. همه اینها برای من درس خیلی بزرگی بود که به امید خدا در فیلم بعدی اتفاق بهتری برایم بیفتد.

**با توجه به سختی‌هایی که در مسیر ساخت و تولید فیلم «معکوس» داشتید، فکر می‌کنید در اکران نتیجه‌بگیرید؟**
مشکل همیشگی که برای سینما وجود دارد، بحث پخش است. این فیلم درگیر مشکلات لابی همیشگی پخش شد. قرار بود فروش «سبخره باز» که تمام سینما رفتن است، با این فیلم جای آن بیاید. اما هنوز مسخره‌باز در حال اکران است و فیلم من هم اکران شده است. «مطرب» با ۱۶۳ سالن در کشور کار پخشش را شروع می‌کند و فیلم معکوس با ۳۳ سینما در کل کشور اکران شده است.

در قبالتن من یک فیلم با ارزش‌های اجتماعی و تکنیکی ساختم. در فیلم غر زنده‌ام، سیاه‌نمایی نکرده‌ام، نیامدم بگویم جامعه من بد است گرانی است نه فیلم من یک کارخانه‌ای را نشان می‌دهد که کار از افتاده و دست و انتخواهر است و دوست ندارد این کارخانه را راه بیندازد، چون

خوابیدهاش بیشتر برایش سود دارد.

در تیتراژ آخر فیلم سالار از این رانتخواهر می‌پرسد: تکلیف این کارخانه چه می‌شود؟ می‌گوید: پیش فکر می‌کنم. این بدان معناست که می‌خواهد کارخانه را راه بیندازد. یعنی این آشتی می‌خواهد شکل بگیرد. متأسفانه ما برخی فیلم‌هایی را که دارای ارزش هستند، ل‌ه که سینما رفتن است و فیلم من را بدون اینکه به من بگویند، اکران کردند. تمام ساختار من را به هم ریختند. اینها این کار را با من کردند. حس عجیبی داشتم، شما از یک طرف تمام مشکلات و میباحث و سختی‌ها

ما دیگر نیاییم در رسانه‌ها و رادیو و تلویزیون بگوییم چرا این سینمای ما به این سمت رفته است؟ این اتفاق یک اتفاق تلخ است. من مدام می‌شنوم که چرا سینمای ما اینطور شده است؟ خودشان دارند فیلم‌های اجتماعی و هر فیلمی را که شریف است، کنار می‌گذارند. از آن طرف فیلم‌هایی که در سینما آمد در آن شکل درمی‌آوردند و گریم متفاوت می‌کنند مورد توجه قرار می‌گیرد. تا توجه به شرایط سخت جامعه، مردم وقتی می‌خواهند هزینه سینما بدهند می‌روند، فیلم کم‌دی می‌بینند که دلشان شاد شود. البته کم‌دی که تعریف خاص خودش را دارد. کم‌دی باید دارای ارزش باشد، اینکه در فیلم یکی به یکی پس گردنی بزند نمی‌شود کم‌دی، ما از این دست کم‌دی‌ها زیاد داریم. در پایان باید بگوییم، طبق معمول عدالت در اکران فیلم معکوس شکل نگرفت و فیلم در ۳۳ سینما در کل کشور اکران شد بدون هیچ تبلیغات شهری و تبلیوری. متأسفانه فیلمان در بدترین زمان ممکن و در بدترین شرایط اکران شد. در شرایط بحث ناآرامی‌های تهران، بحث بنزین، بحث اودیگی هوا و بحث انفولواژی که همه جا را گرفته است. حتی همین فصلی که در آن هستیم فصل سخت و راکدی برای کار ماست. با این شرایط که پیش می‌رود «معکوس» فیلمی خواهد شد که قربانی تاریخ سینما می‌شود و کاری هم نمی‌شود کرد.

### هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی و

### اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر برابر رای شماره ۰۶۲۵۰۳۰۰۶۳۱۸۶۰۳۰۱۳۹۸۶۰۱مورخ ۱۳۹۸/۸/۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک ناحیه ۲ رشت، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای سید جلال موسوی وند فرزند سید حسن به شماره شناسنامه ۱۸۱۲ صادره از تهران در قریه کوه‌ز در شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۱۱۱،۵۵ متر مربع پلاک فرعی ۳۸۰۷ از اصلی ۷۸ مقرروز مجزی از پلاک ۴۵ از اصلی ۷۸ واقع در بخش چهار رشت خریداری از مالک، رسمی آقای صفر علی ارشد شالکوهی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم، مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی نداشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

**مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه دورشت- حسین اسلامی کجیدی**
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۸/۹/۱۹ نوبت دوم: ۱۳۹۸/۱۰/۴

### آگهی مفقودی

برگ سبزی، خودرو سواری پژو مدل ۱۳۹۴ به رنگ سفید – روغنی به شماره انتظامی ایران ۲۸-۴۷۸-۴۵ ب شماره موتور 124K0612422 و شماره شاسی NAAN01CA7FH174012 متعلق به آقای محمد معبودی اصل به کدملی ۰۳۱۱۱۷۰۵۵۵مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

### آگهی وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابررای شماره ۰۳۱۰۰۳۳۰۰۳۳۰۰۳۳۰۰۳۳۰۰۳۳۰۰۳۳۰۰مورخ ۱۳۹۸۶۰۳۰۰۶۳۱۸۶۰۳۰۱مورخ ۱۳۹۸/۸/۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک شهرکرد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای نوراله سلطانی فرزند صفر به شماره شناسنامه ۲۸۹ صادره از شهرکرد در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۳۰۲/۵۰ متر مربع پلاک ۷۸۸۷ فرعی از ۲ اصلی واقع در قریه شهرکرد خریداری از مالک، رسمی آقای دکتر رحیم رئیسی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی نداشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

**شماره آگهی: ۶۷۰۹۹۸/۶۷/رضائاتی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک شهرسان کرک**
تاریخ انتشار نوبت اول:دوشنبه ۱۳۹۸/۹/۴ نوبت دوم:۱۳۹۸/۹/۱۹

### آگهی مفقودی

سند و برگ سبزی خودروی سواری وانت دو کابین مزدا بی ۲۰۰۰ ای به رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۸۸ به شماره انتظامی ایران ۷۳-۹۹۶ د ۴۹ و شماره موتورFE543963 و شماره شاسی- NAGCPX-2PC19E21469 متعلق به آقای حسین کشاورز به کدملی ۲۳۹۱۴۳۳۳۷۲۴مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

### آگهی مفقودی

سند و برگ سبزی آمبولانس مزدا ۲۰۰۰ مدل ۱۳۸۲ به شماره انتظامی ایران ۵۸-۸۱۱-۱۹ د شماره موتور 458028 و شماره شاسی8220A00781 متعلق به شهرداری کنگان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

### آگهی مفقودی

سند کمپانی و برگ سبزی و پلاک اطاق کامیون باری بنز مدل ۱۳۶۲ و شماره انتظامی ایران ۷۳-۶۱۶-ع ۶۵ به شماره موتور 1069462 و شماره شاسی۱۴۹۳۴۸۸۶متعلق به آقای حسن باغستانی فرزند مرتضی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.